

موسیقی شناسی

حکیم سبزواری و شاگردانش

پروفیسور سیدحسن امین



سه نسل بین شاگردان حاج ملاهادی سبزواری ادامه یافته بود، منقطع شد.^۲

حکیم سبزواری در اشعارش مکرر از موسیقی تعریف کرده است. مثلاً در مطلع غزل ۵۸ می‌گوید:

باز بلبل لحن موسیقار داشت

دعوی دیدار موسی‌وارداشت

و در غزل ۲۹ می‌گوید:

می‌کش و نی زن و به چنگ آور

چنگ گوید به چنگ دستان زن

طره‌ی دلربا و چنگ و رباب

ان للعاشقین حسن مآب

حکیم سبزواری در غزل ۱۳۶ به چنگ و نی اشاره کرده است و در غزلی دیگر با مراعات نظیر می‌گوید:

مطربا راست برو، راه مخالف بگذار

سبزواری در غزل ۱۱۶ می‌گوید:

چند ازین پرده به عشاق نوا می‌گویی

اوست اندر هر مقامی گر عراق و گر حجاز راست شو تا بشنوی از هر نوا، آهنگ عشق یکی از شاگردان میرزا حکیم سبزواری مرحوم آقامیر سیدمحمد حسینی سبزواری معروف به «آقا» عراقی و ملقب به امین‌الحکماء متوفای ۱۳۲۴ ق (والد ماجد امین‌الشریعه و نظام‌العلماء سبزواری) بوده است و حکیم سبزواری در غزل ۱۷۰ در وصف وی گفته است:

شادیم ز آواز نی و نای عراقی

مستیم و خرابیم ز مینای عراقی

هر کس به کسی باخته دل، وین کس مسکین

شد شیفته‌ی شیوه‌ی شیوای عراقی

آوازه‌اش آویزه‌ی گوش است و غمی نیست

رسوای جهانیم ز آوای عراقی

پروا نکنم سوزد اگر شمع وجودم

پروانه صفت آمده شیدای عراقی

خوش محفل انسی است که یاران همه جمع‌اند

از بنده‌ی درویش و ز آقای عراقی

شوریده سر از شور تو در راه حجازیم

ای قبله‌ی عشاق چو مولای عراقی

اسرار جهان گذران پرس ز اسرار

نز شیخ حجازی و نه ملای عراقی

به طوری که دیده می‌شود، سبزواری طی یک غزل به نی، نای، آواز، آوا، شور، حجاز، عراق، عشاق اشاره کرده است و در غزلی دیگر باز به نام آقای عراقی اشاره کرده است:

راست شو ساقی و بر رغم مخالف می ده

تا جوانان عراقی به نوا بنشینند

امثال این نکته‌ها راجع به موسیقی‌شناسی و موسیقی‌دوستی حکیم سبزواری و شاگردان او مسائلی است که در متون کتبی به آن‌ها اشاره نشده است و در شمار روایات شفاهی ست. درسی نبود هر آن چه در سینه بود.

مرحوم میرسیدمحمد سبزواری که در کنار قبر استاد خود حاج ملاهادی سبزواری مدفون

□ حکیم حاج ملاهادی سبزواری (۱۲۱۲-۱۲۸۹ق) مانند بسیاری از فلاسفه‌ی قدیم در فن موسیقی نیز مهارت داشته است. چنان‌که به طور منظم و مدرسه‌یی، موسیقی اصیل ایرانی را به شاگردان علاقه‌مند خود تدریس می‌کرده است. بعد از او نیز بعضی دیگر از شاگردان دانشمند او از جمله مرحوم میرزا اسماعیل افتخارالحکماء طالقانی همین روش را ادامه داده‌اند؛ چنان‌که دکتر قاسم غنی طی شرح حال افتخارالحکماء نوشته است:

«مرحوم افتخارالحکماء اضافه بر حکمت اشراق و منظومه‌ی حاجی و اسفار، درس‌های دیگر هم می‌گفت، از قبیل: طب قدیم، ریاضی، بلاغت، اصول و موسیقی»^۱

ابونصر فارابی (۲۶۰-۳۳۹هجری) کتاب مهمی در موسیقی تألیف کرد به نام **الموسیقی الکبیر**. ابن‌سینا (۳۷۰-۴۲۸هجری) در **شفا** طی بخش تعلیمات (هندسه، حساب و موسیقی)، بخشی به‌عنوان «جامع علم موسیقی» دارد. دیگر کتب مهم موسیقی عبارتند از **النغم و الايقاع** تألیف اسحق موصلی (تألیف ۲۳۵)، **الموسیقی الکبیر** تألیف ابوالعباس سرخسی (تألیف ۲۸۶)، **اللهو و الملاهی** تألیف ابن خردادبه (وفات حدود ۳۰۰)، **فی جمل الموسیقی** (تألیف ۳۱۳) از ابوبکر رازی، **الادوار** (نیمه‌ی دوم قرن هفتم هجری) از صفی‌الدین ارموی. علاوه بر این کتب - که به عربی‌اند - ابن‌سینا در **دانشنامه‌ی علائی** و عبدالرحمان جامی در **رساله‌ی موسیقی** خود به فارسی، مطالبی در باب موسیقی نوشته‌اند.

باری تا هفتاد سال پیش که مدارس علوم قدیمه، حکم دانشگاه‌های امروز را داشت و همه نوع استاد و متخصص و شاگرد و محصل داشت، بعضی از حکمای ایرانی همانند حاج ملاهادی سبزواری و پس از او، شاگردش افتخارالحکماء و پس از افتخارالحکماء، شاگرد او مرحوم میرزا آقا فاضل هاشمی همین مباحث ابن‌سینا را بر شاگردان باذوق و خوش آواز خود تدریس می‌کرده‌اند. پس از فوت میرزا آقا فاضل هاشمی (از استادان مرحوم آیت‌الله سیدعلینقی امین) که از مدرسان حکمت و فلسفه و از شاگردان افتخارالحکماء بود، تدریس موسیقی که

است، از محضر فیاض حاج ملاهادی بهره‌ها جست و به ملاحظه‌ی ظرافت طبع و صفای قریحه و حسن صوت و لطف بیانی که داشت، مورد کمال توجه استاد قرار گرفت.

او علاوه بر مزایای علمی و مراتب فضل و پختگی و جهان‌دیدگی، در علم ادوار و موسیقار یگانه‌ی عهد و فرید روزگار خویش بود و نه تنها موسیقی ایرانی، بل کلیه‌ی دقائق و دقائق موسیقی هندی و عربی آن عصر را نیک می‌دانست و به هر سه زبان پارسی، عربی و هندی آواز می‌توانست خواند.

از عجائب و غرائب آن که به تواتر شایع است و من بنده نویسنده خود از جمعی از سال‌خوردگان سبزوار از جمله حاج سید عبدالله برهان المحققین و شیخ حسن افصح‌المتکلمین، مکرر شنیدم که صوت آقا میرسید محمد، چندان رسا بوده است که چون به روزگار تحصیل در مدرسه‌ی حاج ملاهادی سبزواری در وسط شهر سبزوار، روزها - اواسط ظهر - آن هم داخل حجره‌ی مدرسه آواز می‌خوانده است صدایش را در قریه‌ی ایزی (ده بدنام فعلی) می‌شنوده‌اند و بدان هنگام که در ریگزار کلات سادات می‌خوانده است در کینور (دو فرسنگی) نوای رسایش شنیده می‌شده است یا هرگاه در قریه‌ی کینور (در فاصله‌ی دو فرسنگی) آواز می‌خوانده است صدایش به گوش کشاورزان کلات سادات که در بیرون ده به زراعت مشغول بوده‌اند، می‌رسیده است و اینان به هم‌دیگر می‌گفته‌اند این صدای بندار (اریاب) است.

از پدرم شنیدم که مرحوم میرسید محمد از نهایت استادی رباعی و بیت زیرین را که متضمن نام دستگاه‌ها و مقام‌های مختلف موسیقی ملی ایرانی است، نوعی می‌خواندی که چون به نام هر دستگاه در شعر رسیدی، آواز نیز در همان مقام خواندی.

بیداد و خجسته، ترکی از راه حجاز

می‌خواند بیات ترک و شور و شهناز

کای یار مخالف به عراق آوردی

وان گاه حسین را به نوا مسکن ساز

و ایضاً در این بیت به همان شیوه، استادی نشان دادی:

راست گویان حجازی به نوا می‌گفتند

که حسین کشته شد از جور مخالف به عراق

باری، موسیقی دانی حکیم سبزواری و شاگردانش در اسناد کتبی

ثبت نشده است. تدریس موسیقی که حکیم سبزواری و افتخارالحکماء (شاگرد متطلب او) و در نسل بعدی، مرحوم فاضل هاشمی (پدر مرحوم سیدابوالفضل کمالی سبزواری واعظ) متعهد بوده‌اند، شامل قواعد ایجاد صوت و مخارج صدا از حنجره نیز می‌شده است و از این رهگذر تا حدی به مباحث طب، تشریح و علم‌الابدان مربوط می‌شده است و بعد از این کلیات، دستگاه‌ها و مقامات آوازخوانی و موسیقی ایرانی، عربی و هندی تدریس می‌شده است و در پایان درس، بعضی از شاگردان دستگاهی را می‌خواندند و استادان تصحیح می‌کردند. البته این‌ها ظواهر امر است و گرنه در عوالم سیر و سلوک عارفانه که حکیم سبزواری داشته است این اقوال راه ندارد؛ چه به قول او در غزل ۴۶:

به گوش ما بود هر نغمه موزون غریو شحنه، ساز ارغنون است
و باز همین معنی را به لفظی دیگر در غزل ۵۲ تکرار می‌کند:

پرده حجازی بساز یا چو عراقی نواز

غیر یکی نیست راز، مختلف ار گفت و گوست

موسیقی، پس از حاج ملاهادی سبزواری، و آقا میر سیدمحمد سبزواری هم، هم‌چنان در حوزه‌ی علمی و فرهنگی سبزواری، رونقی بسیار داشته است. چنان‌که آقامیرزا مهدی آیتی (فرزند مرحوم حاج میرزا حسین مجتهد بزرگ سبزواری شاگرد حاج ملاهادی سبزواری و استاد امین‌الشریعه) تار را استادانه می‌نواخته است و اکنون در نسل بعد، پس وی دکتر سیدعلی آیتی، در نواختن تار ماهر است. چنان‌که شاعر و موسیقی‌دان معاصر محمدعلی فالنجی (آزاده سبزواری) خطاب به او سروده است:

تا سر کنی به نغمه و شور و نوا علی

آتش فتد ز دست تو بر ماسوا علی

در پنجه‌ات، حدیث محبت نهفته است

آن‌جا که شور افتد از آن پنجه‌ها علی

شهناز اگر به کوی تو روزی گذر کند

گوید ز روی صدق که صد مرجبا علی

چونان که من محب تو در ساز گشته‌ام

گویم ز روی صدق چو تار تو یا علی

ما در سه کنج خانه، فراموش عالمیم

کی رسم این زمانه کند یاد ما علی

از تار خویش، نفخه‌ی عالم گذار ساز

تنها صدا بماند نی بی صدا علی^۳

بسیاری از فرزندزادگان حاج ملاهادی سبزواری موسیقی‌دان بوده‌اند. چنان‌که به روایت دکتر قاسم غنی، یکی از فرزندزادگان حاج ملاهادی سبزواری به نام ضیاء الحق حکیمی (متخلص به ضیایی) موسیقی‌دانی زبردست بوده است. دکتر غنی در جلد اول یادداشت‌هایش می‌نویسد:

من با امیر ارفع [حاکم سبزواری]... تمام شب‌ها دور هم بودیم...

شیخ محمد ملوندی روضه‌خوان [نوائی] که بسیار بسیار خوب می‌خواند، مرحوم حاجی‌خان [شهپری تهرانی] تارزن و گاهی ضیاء الحق حکیمی که خوب ضرب می‌گرفت،^۴ در مجالس طرب امیر ارفع حاکم سبزواری شرکت داشتند. خود این ضیاء الحق حکیمی متخلص به ضیائی گوید:

غم دل را شمی با ساز گفتم، باز می‌گویم

به آه و ناله و آواز گفتم، باز می‌گویم^۵

■

پی‌نوشت‌ها

۱- غنی، دکتر قاسم، یادداشت‌ها، چاپ سیروس غنی، جلد اول، چاپ اول، چاپ لندن، ص ۲۶-۳۲.

۲- مرحوم آیت‌الله سید علینقی امین، شرح حال استاد خود مرحوم فاضل هاشمی را در ذیل مقاله‌ی که در شرح حال افتخارالحکماء چاپ کرده‌اند، مرقوم داشته‌اند. (مجله‌ی وهید، دوره‌ی ۱۲، شماره‌ی ۲، ص ۱۵۸-۱۶۲)

۳- بیهقی، محمود، سبزواری شهر دانشوران بیدار، صص ۲۶۲-۲۶۳

۴- غنی، دکتر قاسم، یادداشت‌ها، ج ۱، چاپ تهران، ص ۱۱۸، ناگفته نماند که خود دکتر غنی هم به‌طوری که در یکی از نامه‌هایش به کلنل علینقی وزیر می‌نویسد، مشتاق بود تار بیاموزد (نامه‌های دکتر قاسم غنی، چاپ لندن)

۵- تمام غزل را در تعلیقات دیوان حاج ملاهادی سبزواری، چاپ تهران آورده‌ام، ص ۶۳۵